





دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران مرکز

دانشکده هنر و معماری / گروه نمایش

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

گرایش : کارگردانی

عنوان:

دراماتورژی داستان‌های اساطیر زرتشتی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر رحمت امینی

استاد مشاور:

جناب آقای ناصر باباشاهی

پژوهشگر:

مارال امیرکیان تهران

زمستان ۱۳۸۹

تقدیم به:

خانواده ام برای زحمات بی دریغشان

تشکر و قدردانی:

اساتید محترم : استاد رحمت امینی ، استاد امیر دژاکام ، استاد ناصر باباشاهی و تمام کسانیکه در این دوره تحصیلی مرا یاری نمودند.

تعهدنامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب **مارال امیرکیان تهران** دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته به شماره دانشجویی **۸۶۰۹۵۷۹۷۸۰۰** در رشته **نمایش (کارگردانی)** که در تاریخ **۱۳۸۹/۱۱/۲۱** از پایان نامه خود تحت عنوان: **دراماتورژی داستان‌های اساطیر زرتشتی** با کسب نمره **۱۸** و درجه **عالی** دفاع نموده‌ام بدینوسیله متعهد می‌شوم:

۱- این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده‌ام، مطابق ضوابط و رویه‌های موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن در فهرست ذکر و درج کرده‌ام.

۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوط را اخذ نمایم.

۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدارک تحصیلی‌ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی: **مارال امیرکیان تهران**

تاریخ و امضا:

بسمه تعالی

درتاریخ : ۱۳۸۹/۱۱/۲۱

دانشجو کارشناسی ارشد آقای / خانم **مارال امیر کیان تهران** از پایان نامه خود دفاع نموده و با نمره **۱۸** بحروف **هجده** و با درجه **عالی** مورد تصویب قرار گرفت .

امضاء استاد راهنما

فهرست مطالب

| صفحه | عنوان |
|------|---------------------------------|
| ۱ | فصل اول : کلیات طرح..... |
| ۱-۱ | مقدمه..... |
| ۲ | ۱-۲ پیشگفتار..... |
| ۴ | ۱-۳ بیان مسئله..... |
| ۴ | ۱-۴ پرسش های تحقیق..... |
| ۵ | ۱-۵ روش انجام تحقیق..... |
| ۵ | ۱-۶ روش و ابزار گردآوری..... |
| ۵ | ۱-۷ اهداف تحقیق..... |
| ۶ | ۱-۸ پیشینه تحقیق..... |
| ۷ | فصل دوم : دراماتورژی چیست؟..... |
| ۸ | ۲-۱ دراماتورژی چیست؟..... |
| ۹ | ۲-۲ تبار واژه دراماتورژ..... |
| ۱۲ | ۲-۳ پیشینه دراماتورژی..... |
| ۱۶ | ۲-۴ مفهوم دراماتورژی..... |
| ۲۶ | ۲-۵ وظایف دراماتورژ..... |

| | |
|----|--|
| ۳۲ | فصل سوم : اساطیر زرتشتی |
| ۳۳ | ۱-۳ اسطوره |
| ۳۵ | ۱-۱-۳ تعریف اسطوره |
| ۴۲ | ۲-۳ اساطیر زرتشتی |
| ۴۵ | ۳-۳ اسطوره زندگی زرتشت |
| ۵۳ | ۴-۳ ستیز میانخدایان و دیوان |
| ۵۶ | ۵-۳ اهورامزدا |
| ۵۸ | ۶-۳ اهریمن |
| ۶۱ | ۷-۳ امشاسپندان |
| ۶۲ | ۱-۷-۳ بهمن |
| ۶۲ | ۲-۷-۳ اردیبهشت |
| ۶۳ | ۳-۷-۳ شهریور |
| ۶۳ | ۴-۷-۳ سپندارمز |
| ۶۳ | ۵-۷-۳ خرداد |
| ۶۳ | ۶-۷-۳ سروش |
| ۶۵ | ۸-۳ نیروهای شر |
| ۶۵ | ۱-۸-۳ اژی دهاکه |
| ۶۵ | ۲-۸-۳ ایشمه |
| ۶۵ | ۳-۸-۳ کماریکان |
| ۶۷ | فصل چهارم : شناخت اجزا و عناصر نمایی در داستان زندگی زرتشت |
| ۶۸ | ۱-۴ مرز بین ادبیات داستانی و ادبیات نمایی |

| | |
|----------|--|
| ۷۶..... | ۲-۴ عناصرنمایشی در داستان زندگی زرتشت..... |
| ۷۸..... | ۱-۲-۴ طرح..... |
| ۸۰..... | ۱-۱-۲-۴ پیش در آمد..... |
| ۸۱..... | ۲-۱-۲-۴ آغاز..... |
| ۸۱..... | ۳-۱-۲-۴ میانه اول..... |
| ۸۲..... | ۴-۱-۲-۴ پایان اول..... |
| ۸۳..... | ۵-۱-۲-۴ میانه دوم..... |
| ۸۳..... | ۶-۱-۲-۴ پایان..... |
| ۸۴..... | ۲-۲-۴ کنش..... |
| ۸۵..... | ۳-۲-۴ شخصیت و کاراکتر..... |
| ۸۷..... | ۱-۳-۲-۴ انواع کاراکتر..... |
| ۹۱..... | ۱-۱-۳-۲-۴ کاراکتر محوری..... |
| ۹۱..... | ۲-۱-۳-۲-۴ درباره ی نام زرتشت..... |
| ۹۲..... | ۱-۲-۳-۲-۴ کاراکتر مخالف..... |
| ۹۳..... | ۲-۲-۳-۲-۴ شخصیت شناسی اهریمن..... |
| ۹۴..... | ۳-۲-۳-۲-۴ سیمای اهریمن..... |
| ۹۵..... | ۱-۳-۳-۲-۴ شخصیت های فرعی..... |
| ۹۸..... | ۳-۲-۴ گفتار..... |
| ۹۹..... | ۱-۳-۲-۴ گفتگوی میان زرتشت و اهورامزدا..... |
| ۱۰۰..... | ۲-۳-۲-۴ گفتگوی میان زرتشت و گشتاسپ..... |
| ۱۰۲..... | ۴-۲-۴ منظر..... |
| ۱۰۲..... | ۵-۲-۴ موسیقی..... |

- ۱۰۳..... ۶-۲-۴ درونمایه.....
- ۱۰۵..... ۳-۴ ساختار.....
- ۱۰۶..... ۱-۳-۴ زمان.....
- ۱۰۶..... ۱-۱-۳-۴ انواع زمان.....
- ۱۰۷..... ۲-۳-۴ تعریف.....
- ۱۰۸..... ۱-۲-۳-۴ انواع تعریف.....
- ۱۰۸..... ۳-۳-۴ تحول و بازشناسی.....
- ۱۰۹..... ۱-۳-۳-۴ تحول در داستان زرتشت.....
- ۱۱۰..... ۴-۳-۴ ستیز.....
- ۱۱۱..... ۱-۴-۳-۴ فرمول ستیز.....
- ۱۱۳..... ۲-۴-۳-۴ ستیز اهریمن با زرتشت.....
- ۱۱۳..... ۳-۴-۳-۴ ستیز اکومن با زرتشت.....
- ۱۱۴..... ۵-۳-۴ پیچیدگی.....
- ۱۱۴..... ۶-۳-۴ تعلیق.....
- ۱۱۶..... ۷-۳-۴ بحران.....
- ۱۱۷..... ۸-۳-۴ فاجعه.....
- ۱۱۸..... ۹-۳-۴ نتیجه.....
- ۱۲۱..... فصل پنجم : دراماتورژی داستان اساطیری زرتشت (تحلیل پروژه عملی).....
- ۱۲۲..... ۱-۵ صحنه یکم.....
- ۱۲۳..... ۲-۵ صحنه دوم.....
- ۱۲۴..... ۳-۵ صحنه سوم.....

| | |
|----------|---------------------------|
| ۱۲۴..... | ۴-۵ صحنه چهارم..... |
| ۱۲۵..... | ۵-۵ صحنه پنجم..... |
| ۱۲۶..... | ۶-۵ صحنه ششم..... |
| ۱۲۶..... | ۷-۵ صحنه هفتم..... |
| ۱۲۷..... | ۸-۵ صحنه هشتم..... |
| ۱۲۸..... | ۹-۵ صحنه نهم..... |
| ۱۲۹..... | ۱۰-۵ صحنه دهم..... |
| ۱۳۰..... | ۱۱-۵ صحنه یازدهم..... |
| ۱۳۰..... | ۱۲-۵ صحنه دوازدهم..... |
| ۱۳۱..... | ۱۳-۵ صحنه سیزدهم..... |
| ۱۳۱..... | ۱۴-۵ صحنه چهاردهم..... |
| ۱۳۲..... | ۱۵-۵ صحنه پانزدهم..... |
| ۱۳۲..... | ۱۶-۵ صحنه شانزدهم..... |
| ۱۳۳..... | ۱۷-۵ صحنه هفدهم..... |
| ۱۳۵..... | فصل ششم : نتیجه گیری..... |
| ۱۳۶..... | ۱-۶ نتیجه گیری..... |
| ۱۳۷..... | ۲-۶ پیشنهادات..... |
| ۱۳۹..... | پیوستها..... |
| ۱۴۰..... | زندگی نامه زرتشت..... |

فهرست منابع..... ۱۵۳

فصل اول

کلیات طرح

۱-۱ مقدمه:

امروزه در تیتراژ فیلم های سینمایی و یا در پوستره های تئاتری شاهدیم که بخش مجزایی را با عنوان دراماتورژی در نظر گرفته اند. در تئاترهای عروسکی و دینی و مناسبتی نیز کارگردانان از تجربه دراماتورژی بهره می برند. مطالعات گسترده ای در حوزه فعالیت یک دراماتورژ انجام شده است و علاقه مندان در هر تشکیلات نمایشی که وارد شوند با قسمت ویژه ای که تنها به کار دراماتورژ اختصاص دارد رو به رو خواهند شد.

اما متأسفانه در ایران ما همچنان درگیر بحث لغوی در مورد اصلاحاتی چون «دراماتورژ» و «دراماتورژی» هستیم و چند سالی است که تئاتر ما (به ویژه نسل جوان تر) به هر متنی چنگ زده و به اصطلاح آن را در دراماتورژی کرده است و ما همچنان وامانده ایم که اگر در دراماتورژی این است چرا ابعاد همه جانبه ی آن را در خود نشان نمی دهد؟!

ما می توانیم متن بزرگانی شکسپیر، حافظ، مولوی، فردوسی و... امثالهم را اختیار کنیم و هر بلایی که دلمان خواست سر آن ها بیاوریم و آن را دراماتورژی بنامیم، اما باید به یاد داشته باشیم که بدون پشتوانه ی تاریخی و نظری نمی توان به نقد و بررسی آن ها پرداخت، صحیح را از سقیم تفکیک کرد، و به تولیدی که واقعا فرهنگی و هنری باشد دست یافت.

در این پژوهش فرصتی یافتیم تا در مورد دراماتورژ و دراماتورژی که متأسفانه منابع محدودی در ایران به بحث و تعریف آن اختصاص داده است، بپردازیم و آن را با داستانهای اساطیری زرتشتی که قابلیت اجرایی شدن و دراماتیزه شدن دارند ادغام کنیم چرا که سرزمین ما مملو است از اساطیرهای باستانی و قهرمانان اسطوره ای ، علی رغم این مسئله ما با نمایشنامه های اندک و معدودی در این

راستا رو به رو هستیم و دراماتورژی می تواند با تکیه بر اصول تاریخی و پیشینه اساطیری این گونه داستانها عنصری مهم در احیای این گونه آثار در عرصه تئاتر کشور به شمار آید. امید است که این پژوهش بتواند خلاء بوجود آمده در اجرای این گونه آثار را تا حد مطلوبی کاهش دهد.

۲-۱ پیشگفتار:

آنچه در پی می آید بیان چهار چوب کلی موضوع پژوهش است و توضیح مساله تا خواننده بیشتر با دراماتورژی داستانهای اساطیری و زندگی زرتشت آشنا شود. سپس پرسش های بنیادی که تحقیق حول آن شکل گرفته است و نیز روش کار پیشینه تحقیق و هدف آن، بخش های بعدی را تشکیل می دهد.

۳-۱ بیان مسئله:

برای دراماتورژی یک اثر داستانی معمولاً از عناصری که به شکل گیری و قوام نمایشی آن اثر کمک می کنند استفاده می شود. این بدین معناست که برای ساخت و درک یک اثر دراماتورژی شده ما ناچار هستیم که آن را در جزئیات کوچکتر تشکیل دهند آن تحلیل و بررسی کنیم.

برخی از آثار داستانی به عنوان اثرهای نمایشی معرف هستند. یعنی برخی از عناصر شکل دهنده نمایش را دارا هستند. دراماتورژی داستان اساطیری زرتشت می تواند به نوعی جز این گونه آثار محسوب شود

در این پژوهش ابتدا مبحث دراماتورژی مورد بررسی قرار داده شد، سپس واژه اسطوره و شناخت اساطیری شخصیت های داستان زندگی زرتشت مبنای کار قرار گرفت و داستان زندگی زرتشت با توجه به فن شعر ارسطو که اولین اثر کاملی است که بررسی عناصر نمایشی پرداخته است، مورد تجزیه و تحلیل واقع شد و در انتها دراماتورژی داستان اساطیری زرتشت با توجه به تحلیل شخصی اینجانب و اجرای عملی این اثر مورد بررسی و تحقیق قرار گرفت.

۱-۴ پرسش های تحقیق:

دراماتورژی چیست و ظایف یک دراماتورژ چگونه است؟ آیا دراماتورژی فقط در راستای اجرا قرار می گیرد؟ این مفهوم در مقایسه با مفهوم کلی آن در سایر کشورها می توان در کشور ما به رشد مورد نظر دست یابد؟

آیا متون اساطیری قابلیت تبدیل به یک اثر اجرایی را در خود دارند؟ دراماتورژی این گونه آثار به چه نحوی باید صورت پذیرد؟ یک دراماتورژ چگونه می تواند روح داستان را حفظ کند و آن را در اثر نمایشی و در حد مطلوب آن اثر به مخاطب منتقل سازد؟

۱-۵ روش انجام تحقیق:

به صورت تحلیل محتوا است. پس از مطالعه داستان های اساطیری زرتشتی و آثار مربوطه در حوزه دراماتورژی سعی شد تا عناصر نمایشی در این داستانها مشخص گردد و تا حد امکان به پرسش های تحقیق پاسخ داده شود.

۱-۶ روش و ابزار گرد آوری:

روش و ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق به صورت مطالعه کتابخانه ای است که پس از جستجو در داستان زرتشت و منابع موجود در رابطه با مبحث دراماتورژی فیش برداری کامل صورت گرفته شد و بعد از دسته بندی و پیش نویسی فیش ها با راهنمایی استادان بزرگوار، تدوین پایان نامه صورت گرفت .

۱-۷ اهداف تحقیق

زندگی زرتشت قابلیت آن را دارد که به اجرا در بیاید و چون ویژگی های آثار نمایشی را دارا است از این رو بیشتر از هر متن و موضوعی می تواند مایه های هنر نمایشی ایرانی را فراهم سازد و تبدیل به اثری جدید در عرصه تئاتر و نمایش شود.

۱-۸ پیشینه تحقیق:

متأسفانه داستان های اساطیری زرتشتی کمتر در اجراهای نمایشی دیده می شود و افراد به نوعی با این گونه آثار بیگانه اند، چرا که تاریخی بودن یک اثر شاید بر جذابیت آن اثر تاثیر سو بگذارد و به نوعی مخاطب را خسته و آزرده کند، اما با درایت و دراماتورژی نوین این گونه آثار می توان اجرای این قبیل داستانها را در عرصه نمایش کشور رایج ساخت و مخاطب را با یک پارادوکس جذاب رو به رو ساخت.

در زمینه دراماتورژی نیز تحقیقات اندکی در ایران صورت گرفته است و این مفهوم به نوعی با آنچه که در دنیا از آن استنباط می شود دارای تضاد است باشد که در این تحقیق این کاستی ها به نوعی جبران گردد.

فصل دوم

دراماتورژی چیست؟

۱-۲ دراماتورژی چیست؟

گفتگوی زیر در مطلبی تحت عنوان «مدتی طول می‌کشد تا دراماتورژها از خود دفاع کنند» در روزنامه نیویورک تایمز آمده است: «مجری میزگرد که خود دراماتورژ است، با حالتی برافروخته از هر شش نفر شرکت کننده در میزگرد خواست که وظیفه و هدف دراماتورژ را تعریف کنند. او چنین پاسخی دریافت کرد؛ اولین نفر که دراماتورژ مرکز فرهنگی لینکلن (در شهر نیویورک) بود گفت: «من احتمالاً به خاطر گفتن این حرف کشته می‌شوم، اما راستش جوابش را نمی‌دانم.» دومین نفر اعلام کرد که «من به دنبال شکل و قالب در چیزها می‌گردم.» دراماتورژ معروفی که از تئاتر فولکس بُن در شهر برلین آمده بود گفت: «من رابط بین بازیگر و کارگردان هستم.» نفر چهارم که به عنوان دراماتورژ و طراح کار می‌کند گفت: «دراماتورژ تعدیل کننده مهم و مساوات طلب پر افتخار همه آن چیزهایی است که در یک اجرا به کار می‌رود.» پنجمین هنرمند، دراماتورژی بود که با تئاتر شکسپیری کار می‌کرد. او گفت: «هدف من این است که مطمئن شوم بازیگران هر کلمه و هر جمله و هر صحنه‌ای از نمایش را می‌فهمند.» آخرین شرکت کننده میزگرد گفت که: «دراماتورژها به سوالات می‌پردازند. وظیفه دراماتورژ این است که مطمئن شود این سوالات تا حد امکان عمیق‌تر و سخت‌تر و بحث‌انگیزتر اند.» (honan.۲۰۰۲.pb۲)

کاربرد اهمیت نقش دراماتورژ در تئاتر ایران نامشخص و گنگ و حتی ناشناخته است و متأسفانه مرز بین فعالیت کارگردان و دراماتورژ هنوز برای ما روشن نیست.